



۲۰۱۳/۰۱/۲۵

داکتر سيد عبدالله کاظم

## در حاشیه اسناد منتشره پیرامون حرکت قبرس

قسمت دوم

ابراز نظر های مهم

### صحبت آقای فضل غنی مجددی:

آقای فضل غنی مجددی یکی از بنیانگذاران حرکت قبرس است که در یک صحبت میز مدور با اشتراک این نویسنده در رادیو «پیام افغان» منتشره جنوب کالیفورنیا بتاريخ ۱۹ دسامبر ۱۹۹۹ مطالب بسیار مهم را در مورد انگیزه های اولی حرکت قبرس با این عبارات بیان کرد:

«باید خدمت شما عرض کنم که فکر قبرس چطور به وجود آمد. بعضی کسانی که در این فکر بودند، ممکن است حالا انکار کنند. گروههای جهادی افغانستان اتحاد اسلامی بریاست آقای سیاف، جمعیت اسلامی افغانستان و کسانی که از حزب اسلامی بعد از انقلاب (کودتای) تنی جدا شده بودند، اینها کوشش کردند که همین را به دوستان خود و پیروان خود بقبولانند که ما شکست نظامی به روس دادیم و لاکن در میدان سیاست ما شکست خوردیم. چرا شکست خوردیم، بنابر دو دلیل: یکی اینکه خود ما درست کار نکردیم، مغرور شدیم، ما را کبر گرفت و خدا ما را زد خلاص شدیم. دیگر اینکه جهان غرب و کشورهای همسایه و بعضی کشورهای اسلامی هضم کرده نمی توانستند که یک دولت مجاهدین به اساس جهاد قوی و متحد با تمام نظامهای سیاسی اسلامی جهان به وجود آید. این علت سقوط ما بود. باز گفتند که حالا کوشش کنیم که طالب ها سقوط نکنند. اینها هم اگر سقوط میکنند، این بسیار بدبختی است، یک عودت است برنظام غیر اسلامی در کشوری که بیست سال جهاد کرده بنام اسلام. به همین اساس این فکر به وجود آمد که اگر یک راهی به وجود بیاید که طالب ها به حیث بزرگها قبول شوند، به حیث کلان و دیگر تنظیمها را طالب به حیث خوردهای خود قبول کنند، پس یک حکومتی تشکیل شود که به ریاست آن طالب باشد و لاکن تنظیمهای جهادی سابقه که حکومت شان در کابل سقوط کرد، اینها هم در آن حکومت جا داشته باشند. به همین اساس فعالیت ها شروع شد.»

آقای غنی مجددی در ادامه افزود: «باز یک گروه دیگر از جوانان هر سه تنظیم اجتماع بزرگ در پشاور کردند، یک اجتماع و یا کنفرانس در لندن کردند، گفتند که ما هم می خواهیم که نهضت اسلامی افغانستان یک نهضت واحد به وجود بیاید و لاکن شرط اینست که آقای حکمتیار، آقای ربانی و آقای سیاف از صحنه خارج شوند. اینها کافی است برای شان. مسوولیت بزرگ سیاسی را و ایدئولوژیکی را بدهند به طبقه دست دوم که اینها پیش ببرند و در شرایط جدید یک قیادت جدید به وجود آید.»

موصوف علاوه کرد که: «به همین اساس این کنفرانس قبرس شروع شد که اصلاً یک آشتی بین تمام عناصر ایدئولوژیکی اسلامی و طالبان به وجود بیاید و یک حکومت وحدت اسلامی که البته نام وحدت ملی نه، بلکه وحدت اسلامی به افغانستان به وجود بیاید تا ثمره جهاد هم از بین نرود و کسانی که در جهاد اشتراک کرده اینها هم در حکومت جا داشته باشند و دیگر طالبان از تجربه همین تنظیمهای جهادی که شکست خورده اند، استفاده کنند.»

آقای غنی مجددی در این ارتباط از استاد سیاف نقل قول کرده چنین گفت: «مثلاً آقای سیاف به همین کلمات می گفت: تا وقتی که ما چند مثنی به دهن خود نخورده بودیم، هیچ کس را در حکومت خود قبول نمی کردیم، حالا میگوید نگذارید که این مثنی ها را طالب هم بخورند. اگر طالبها هم این مثنی ها را خوردند و اینها هم سقوط کردند و ما هم سقوط کردیم، دیگر نمی توانیم که مجاهدین را دور خود جمع کنیم و یک حکومتی که آنرا غرب در افغانستان می آورد، باز علیه آن مبارزه کنیم. این کار بسیار مشکل است.»

او علاوه کرد: «براین اساس جلسه قبرس شروع شد و در اول بسیار محدود بود، بالاخره تعداد زیاد از دانشمندان افغانستان که اشخاص بسیار نیک هستند، در آن جمع شدند و یک مبادی را اساس گذاشتند که آن عودت به آرای ملت یعنی اینکه ملت افغانستان چه میخواهد. باز مشکل پیدا شد که آرای ملت چه قسم میتواند جمع شود. باز گفتند که تمام نماینده های ملت از داخل افغانستان به شکلی بیاید که هرکسیکه در آن منطقه نفوذ سیاسی دارد با مشوره او این عملیه صورت گیرد و این درحالی بود که اکثریت مناطق از نظر سیاسی و نظامی زیر اثر طالبها بود. همین بود که به این

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

اساس آقای مسعود قبول نکرد و شرایط غیرمعمول در قضیه افغانستان دانست. آقای ربانی طرفداری میکند و تقویه میکند از کنفرانس قبرس و آقای مسعود کنفرانس قبرس را تأیید نمیکند و کنفرانس روم را غیر مستقیم تأیید میکند و لاکن شرایط طوری به شمال آمده که مجبور هستند که آقای ربانی را به هر سیاست که است، از شمال به حیث نمونه او را قبول کنند و اعتراف بین المللی به حکومت ربانی مربوط به وضع جغرافیائی آن نیست، مربوط به شخص است، اگر شخص کنار برود یا استعفی میکند یا کشته میشود یا می میرد، اعتراف یا رسمیت شناسائی بین المللی هم صدمه پیدا میکند. به این اساس آقای ربانی نماینده خاص خود را آقای شاداب که منشی عمومی جمعیت اسلامی افغانستان است، در کنفرانس قبرس نماینده ایشان است و همچنان انجنیر عبدالرحیم یک شخصیت بزرگ پیش آقای ربانی است، او هم از اعضای مؤسس قبرس است که تا امروز هم در تمام جلسات بودند.

حزب اسلامی در قبرس نمایندگی ندارد قطعاً و آنها آنرا محکوم میکنند و می گوید که ما جلسه های مثل قبرس را قبول نداریم و آقای حکمتیار در سفری که در تهران داشتیم، هم مخالفت خود را اعلان کرد و کسانی که از حزب اسلامی در کنفرانس قبرس اشتراک داشتند، آنها را خارج از اعضای حزب اسلامی دانست. آقای کریم خلیلی با کمال قوت گفت که ما از این جلسه دفاع میکنیم و آقای خلیلی در حضور تقریباً ۸۵ نفر افغان صریحاً گفت که با کنفرانس روم مخالف است و آنرا غیرعملی میدانند و در شکست آن کوشش خواهد کرد. جمعیت اسلامی، حزب آقای اکبری، حزب آقای خلیلی، جبهه نجات ملی و محاذ ملی اینها از اعضای مؤسسين کنفرانس قبرس هستند.» (متن فوق از روی کست مربوطه دقیقاً دست نویس شده و کست نزد اینجانب موجود است)

### پاسخ آقای همایون جریر در رابطه با حزب اسلامی:

در یک میز مدور دیگر که به تعقیب دومین اجلاس قبرس در رادیو «پیام افغان» مورخ ۱۵ جون ۱۹۹۹ به اشتراک آقایون همایون جریر، داکتر عزیزالله لودین و فضل غنی مجددی دائر شد، گرداننده برنامه آقای عمر خطاب از آقای جریر پرسید: طوریکه شنیده میشود سه چهار نفر اعضای عمده حزب اسلامی آقای حکمتیار از جمله شما و آقای سباوون از آن حزب انشعاب کرده و این کنفرانس ملی را ترتیب داده اید. آیا این انعکاس دهنده نظریات حزب اسلامی نخواهد بود؟

آقای جریر در جواب گفت: «عرض کنم که اجلاس قبرس به هیچ حزب و گروهی ارتباط ندارد. شکی نیست که در اجلاس قبرس همانطوریکه دوستان گفتند، شخصیت هائیکه نمایندگی از یکطرف میکنند، شرکت دارند، ولی اشتراک شان در اجلاس متکی و مبتنی بر اینست که باید بر مبنای اجلاس متعهد باشند و در آنجا که نظر میدهند، آرا و نظر تنظیم شانرا ندهند، بلکه آرا و نظر مستقل داشته باشند و نظری که میدهند هیچگاهی ارتباط به منافع تنظیمی نداشته باشد.»

آقای جریر در ادامه تصریح کرد: «آمدیم در رابطه با شخص من که شما فرمودید. بلی! من مربوط حزب اسلامی بودم و هنوز هم مربوط حزب اسلامی هستم. با وجودیکه شما در ابتدای سخن چیزی در باره من گفتید، درست است که من چهار سال میشود که دیگر تصمیم گرفتیم برای صلح کار میکنم و کارهای تشکیلاتی خود را ماندم. در ضمن اینکه هرگونه انشعاب را در حزب اسلامی من رد میکنم، حزب اسلامی کما فی السابق به حالش است. منتها من شخصاً دیگر در تشکیلات حزب فعال نیستم. من فکر میکنم همین قانع کننده باشد.»

موصوف درباره خصوصیات حرکت قبرس گفت: «من فکر میکنم چند ویژگی را به عنوان ویژگی بارز اجلاس یا نشست قبرس عنوان کنیم: اول - اعتقاد محکم این اجلاس به نقش مردم در افغانستان؛ دوم - اجلاس اعتقاد داشت که تفاهم راه حل است؛ سوم - اجلاس توجه به شخصیت ها و حلقات مستقل ملی کرد که در گذشته این کمتر مورد توجه بود؛ چهارم - اجلاس همچنان به کشورهای ذیعلاقه در مورد افغانستان توجه داشته و با اعتقاد به اصل حسن همجواری، احترام متقابل و رول و همکاری با مردم افغانستان خواسته و فراخوانده و با توجه با این همکاری اگر بتوانیم ما بیک صلح دوامدار برسیم. همچنان همکاری با حلقاتی که به صلح در افغانستان فعالیت دارند، برای اجلاس خیلی مهم است. یعنی ما در صلح نمیخواهیم تجربه تلخ اختلاف را تکرار کنیم. اجلاس جداً و کاملاً معتقد بود که باید باهمه حلقاتی که به خاطر صلح در افغانستان کوشش بکنند، همکاری و هماهنگی داشته باشد.»

### صحبت یکی دیگر از اعضای حرکت قبرس:

د پاپو شمیره: له ۲ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

آقای به‌الدین بها (فعالاً یکی از قضات ستره محکمه افغانستان) که با اشتراک در سومین اجلاس قبرس عضویت این حرکت را حاصل کرد و متعاقباً در جلسه منعقد تهران شرکت داشت، مصاحبه مفصل با مدیر مسئول هفته نامه امید انجام داد که متن مکمل آن در شماره ۴۰۷ مورخ ۷ فروردی ۲۰۰۰ در آن هفته نامه به نشر رسید. موصوف مطالب قابل الذکری را در رابطه با مسائل جاری و بخصوص مقایسه آن حرکت با جریان «روم» بیان داشت که اینک بعضی از نکات مهم آنرا ذیلماً اقتباس می‌دارم:

آقای بها خاطر نشان کرد و گفت: «هنگامیکه ما مصروف انعقاد جلسه شورای اجرائیه در تهران بودیم، در همان روزها جلسه روم که اول پنجاه نفر بود و بعد هفتاد نفر به قیادت و ریاست جناب پادشاه سابق آغاز شده بود، جلسه قبرس در همان اولین روز که در تهران دایر شد، با آغاز جلسه روم اعلامیه ای صادر کردند، البته به تقاضای تمام اشتراک کنندگان مجلس که اینطور تصور نشود که اجلاس قبرس با اجلاس روم در تباین و تخالف و تضاد است و یا اینطور حدس زده نشود که خدای ناخواسته کدام سنگ پیشروی مجلس روم می‌خواهد بیندازد. مجلس قبرس با صراحت تام اعلامیه ای صادر کرد که ما با مجلس روم و با همه موییدات شان در هیچ یک تباین و تضاد قرار نداریم، نه تنها مجلس روم، بلکه همه حلقه‌های سیاسی که قدمی در راه صلح و در راه ایجاد فضای آرامش و فضای سالم سیاسی در افغانستان بگذارند که حاکمیت ملت افغانستان را بتواند تأمین بکنند. ما مؤید آن هستیم و هیچگونه تضادی با آنها نداریم.»

آقای بها در برابر سؤال دیگر چنین گفت: «جلسه روم ما که دیدیم در قدم اول با وصف آنکه من به شخص جناب پادشاه سابق افغانستان حرمت بسیار زیاد قایل هستم و اوها یک زعیم سیاسی بودند و یک شخصیت ملی هستند، اما تا جاییکه شما هم درک کنید یا تائید کنید، در طول چندسال اخیر دور جناب شان را یک تعداد انگشت شمار محدود حلقه زده اند، دیگران نتوانسته اند که با اوها از نزدیک ببینند و دیگر کسی راهی نداشت که به جناب شان برسند و اگر شناختی از ملت دارند، بسیار از یک تعداد محدودی اند و باقی ملت همین هایی هم که به جلسه روم دعوت شدند، توسط معرفی تعداد اطرافیان شان معرفی شده اند و این پیش مردم سؤال است که غیر ازین تعداد چرا دیگر کسی از ملت افغانستان پیش شاه شناخته شده نیست و چرا با اوها مشوره و ابراز نظر صورت نمی‌گیرد. این سؤال پیش یک تعداد مردم است و چون یک تعداد خود را ازین اجتماع محروم می‌دیدند یا محروم دیدند، چنانچه بعضی ها بصراحت هم ابراز کردند. اینها هم بخود حق می‌دهند یا حق دارند که بحیث ملت افغان یا جز ملت افغان درجلسات مشابه شرکت داشته باشند.»

موصوف در باره هدف هر دو حرکت تصریح کرد: «من هم به این عقیده هستم که هر دو جلسه نظر شان اینست که باید در نهایت یک لویه جرگه و مجلس کبیر ملی افغانستان به وجود آید که ملت افغانستان در آن اشتراک داشته و در سرنوشت خود تصمیم بگیرد، و این لویه جرگه نمیتواند دو تا باشد، باید یکی باشد، اما ما به این امید هستیم که چه جلسه قبرس و چه جلسه روم به هر نتیجه که منتهی میشوند، بالاخره به یک همبستگی یا پیوستگی باهم برسند.»

در رابطه با مقایسه دو حرکت آقای بها گفت: «یک چیزی که خیلی چشمگیر است و درک میشود در جلسه قبرس محور و مرکز مشخص نیست و این از دونگاه ارزیابی میشود یعنی زعامت مشخص نیست، (تعیین) زعامت به ملت مربوط است و در آینده ملت هرکی را می‌خواهد به نمایندگی از خود زعیم انتخاب بکند. ولی در جلسه روم باوصف اینکه شخصیت شخص شاه محترم است، پیش همه اینطور حدس زده میشود که پیش از اینکه جلسه به کدام نتیجه برسد، هم زعامت معین است و هم حلقه سیاسی و اداری معین است و این حلقه اداری و سیاسی پیش ملت شناخته شده هستند. بعضی ها خوشبین هستند و بعضی ها ممکن است خوشبین نباشند. این رابعضی ها به همین خاطر می‌پذیرند که جلسه روم هم مرکز و محور دارد و هم به اصطلاح شخصیت های سیاسی آن معین هستند و بعضی ها به این نظر هستند که ملت زعامت را تعیین کند.»

درمورد اینکه آیا گرداننده و سررشته دار حرکت قبرس آقای همایون جریر از نزدیکان گلبدین حکمتیار و مربوط حزب اسلامی میباشد، آقای بها چنین جواب داد: «وقتی من به جلسه قبرس رفتم، اگر احساس میکردم که همایون جریر واقعاً ریاست این جلسه را دارد، البته این بار اول بود که او را می‌دیدم و زعامت این جلسه را دارد و زعامت آینده افغانستان را میخواهد، باور کنید که من یک لحظه هم اونجا ایستاد نمی‌شدم و بعد از این هم اگر چنین احساس کنم، اصلاً در جلسات اشتراک نمی‌کنم.»

دربرابر این سؤال که بنیانگذار اجلاس قبرس کی است، آقای بها گفت: «بنیانگذار اجلاس ظاهراً افغانها هستند، اما فکر میکنم همسایه های ما هم بی دخالت نیستند. ما در همین سفر تهران ملاقاتی داشتیم با مقامات ایران، با آقای امین زاده قائم مقام وزارت خارجه صحبتی داشتیم و او با صراحت به ما گفت: ما میخواهیم برای آوردن صلح به افغانستان جدیانه سهم بگیریم، بخاطری که از ادامه جنگ در کشور همسایه ما احساس خطر میکنیم، از سرحدات

خود و از مهاجرین افغانی که در ایران هستند، از گسترش قاچاق مواد مخدر که هر روز در سرحدات کشته می‌دهیم. از همه اینها احساس خطر میکنیم و از اوضاع منطقه حتی او باصراحت گفت: ما خود را ناگزیر میدانیم تا از ائتلاف شما حمایت بکنیم و نگذاریم هرج و مرج سرتاسر افغانستان را بگیرد. اوها ازین اوضاع تشویش داشتند و یک سمپتی و علاقه زیاد برای برگشت صلح در افغانستان نشان دادند.»

آقای بها در ادامه گفت: «وقتی اجلاس در تهران دایر شد، همه باید بدانند که این همسایه ما بدون دخالت در آن نیست، همانطوریکه اکثر ممالک اروپائی موید و پشتیبان اجلاس روم هستند و نیز ملل متحد و حتی گفته میشود امریکا. این واقعیت است که بدبختانه در طی بیست سال هیچ یک از جلساتی که موضوع کشور در آن مطرح شده، کاملاً یک جلسه بین الافغانی نبوده، چه در دوران جهاد و چه بعد از آن.»

در برابر این سؤال که اجلاس قبرس از کجا تمویل میشود، آقای بها توضیح داد که: «این موضوع یکی دو بار مطرح شده که آقای جریر گفته این پول خودم است و پول جهاد است، وقتی پول جهاد است، پس پول و پیسه ملت است که بدست اینها افتاده. البته منابعی که این اجلاس را تمویل میکند و آقای جریر خواسته اند که این مسئله را افشا نکنند، اما مثلاً همین امروز ما و شما می بینیم که اطراف درگیر را هم کشورهای خارجی تمویل میکنند، ولی هیچکدام این مسئله را اقرار نمیکنند. مهم اینست که ملت هوشیار است و هیچ چیز از نظرش پنهان نمی ماند و اگر خدا بخواهد که افغانستان ازین مصیبت و غایله خلاص شود و روزی محکمه ملی بوجود آید، من با شما همونوا هستم که همه این مسائل قابل بازپرسی است.»

### صحبت یک صاحب نظر آزاد:

سید شمس الدین خان مجروح (سابق وزیر عدلیه) در مورد مقایسه حرکت روم و قبرس طی یک مصاحبه با هفته نامه امید (منشره شماره ۴۰۷، مورخ ۷ فیروزی ۲۰۰۰) چنین ابراز نظر کرد: «اصل اساسی اینست که حاکمیت حق ملت افغانستان است و آنها حاکمیت خود را باید خود تثبیت کنند. تا امروز متأسفانه در آنجا حکومتی که از طریق رأی عامه و از طرف ملت بوجود آمده باشد، موجود نیست، یعنی افغانستان بدون دولت و حکومت است یعنی با قدرت سلاح و جنگ و جدل مناطقی را تصرف کردند و مدعی شدند که ما مملکت را اداره میکنیم. حالانکه اداره ای هم نیست، جائیکه قدرت و نفوذ شان رسیده، در آنجا اداره و امنیت و خدمات عامه مثل شفاخانه، مدارس و مکاتب و مواصلات هیچ نیست و درحقیقت افغانستان دریک حالت هرج و مرج بسر می برد. لذا نظر من اینست که ملت افغانستان یک جرگه می گوئید یا مجلس و یا شورا می گوئید، که نماینده های ملت در آن جمع می شد و واقعاً برای افغانستان یک حکومت و دولت و رئیس دولت را بوجود می آوردند، این یگانه راه است. حالا اگر دراین راه پادشاه سابق افغانستان کوشش کرده، بسیار بجا بوده که البته این کوشش هنوز نتیجه نداده و بی نظمی ها بوجود آمده در آن مجلس و هم که در قبرس و تهران مجلس شده، هنوز به نتیجه نرسیده و لاکن عمل نیک است.»

در باره اینکه کدام این دو حرکت را میتوانیم دارای مشروعیت نسبی بشماریم، آقای مجروح گفت: «در روم منتها هیمنقدر است که خود پادشاه سابق افغانستان یک لیدر ملی شناخته میشود و هر سعی و کوششی که کرده بحیث یک ریش سفید و یک لیدر ملی این کار را کرده، آن مجلس این امتیاز را دارد. اما مجلس قبرس یا تهران چنین شیوه یا یک شخصیتی که حیثیت لیدر قومی و ملی را داشته باشد و حداقل یک کتله بزرگ افغانستان طرفدار یا مورد قبولش باشد، در آنجا دیده نمیشود. البته روشنفکران و وطن دوستانی که هستند همه قابل احترام هستند و همه نیت خوب دارند، همه فضیلت دارند و تجربه اداری دارند و دراین هیچ شک نیست که اکثریت شان قابل احترام هستند، ولی در روم یک لیدر ملی است که وجهه ملی دارد... من در حرکت قبرس چنین یک شخصیتی را نمی بینم که طرف قبول اکثریت اگر نه، یک کتله مردم افغانستان باشد، چنین شخصیتی دیده نمیشود.»

وقتی در مورد منبع تمویل حرکت قبرس پرسیده شد، موصوف جواب داد: «البته اجلاس قبرس و تهران از طرف ایران کمک شده که برملا نبوده و ایران آنرا تأمین کرده و تسهیلات را ایران فراهم کرده است. البته این سعی و کوشش ایران بعنوان یک همسایه اگر کدام مدعای خاصی نباشد و محض برای امنیت و بوجود آمدن یک حکومت ملی در افغانستان باشد، قابل قدر است. اما امروز بین ایران و پاکستان یک رقابت برای نفوذ در افغانستان موجود است یعنی ازین رقابت انکار شده نمیتواند. ایران میخواهد نفوذ خود را در افغانستان پهن کند و پاکستان فکر میکند که ایران افغانستان را تصرف کرده و در دستش است، نمیخواهد بگذارد افغانستان را به کس دیگر. این یک رقابت موجود است.»

## **نظر عناصر مخالف و موافق حرکت های روم و قبرس:**

در قدم اول بدون تردید گفته می‌توانیم که عمده ترین گروه مخالف نه تنها در برابر حرکت قبرس، بلکه به مقابل هرگروپ دیگر به شمول حرکت «روم» طالبان بودند. آنها «امارت اسلامی» خود را یگانه مرجع مشروع و مظهر حاکمیت و اراده مردم افغانستان میدانستند و ملامحمد عمر را به حیث «امیرالمؤمنین» یگانه شخصیتی می شمردند که در راس امارت اسلامی افغانستان در آنوقت قرار داشت. آنها حرکت روم را آله دست کشورهای غربی بخصوص امریکا دانسته و حرکت قبرس را وسیله نفوذ ایران در افغانستان وانمود میکردند، چنانچه ملا متقی یکی از شخصیت های بانفوذ طالبان طی یک مصاحبه طولانی با رادیو «پیام افغان» مورخ ۶ جون ۱۹۹۹ منتشره لاس انجلس این مطالب را به صراحت بیان کرد که کست آن نزد اینجانب موجود است.

نمایندگان جمعیت اسلامی، نجات ملی و محاذ ملی طوریکه گفته شد، در هر دو حرکت اشتراک فعال داشتند، اما آقای احمد شاه مسعود (شورای نظار) از حرکت روم حمایت میکرد و با حرکت قبرس علناً مخالف بود، آنهم بدو دلیل: یکی به دلیل تماس قبرس با طالبان و دیگر بنا بر موجودیت همایون جریر و عده ای از منسوبین حزب اسلامی حکمتیار. حکمتیار به وضاحت مخالفت خود را با حرکت قبرس ابراز کرد، چنانچه آقای غنی مجددی از قول حکمتیار گفت: «حزب اسلامی در قبرس نمایندگی ندارد قطعاً و آنها آنرا محکوم میکنند و می گوید که ما جلسه های مثل قبرس را قبول نداریم و آقای حکمتیار در سفری که در تهران داشتیم، هم مخالفت خود را اعلان کرد و کسانی را که از حزب اسلامی در کنفرانس قبرس اشتراک داشتند، آنها را خارج از اعضای حزب اسلامی دانست.» جای تعجب است که آقای جریر میگوید: «بلی! من مربوط حزب اسلامی بودم و هنوز هم مربوط حزب اسلامی هستم.»

در جمله حامیان جدی قبرس حزب وحدت آقای کریم خلیلی شامل است و او به نقل قول مجددی با کمال قوت گفت که: ما از این جلسه دفاع میکنیم و اما او در حضور تقریباً ۸۵ نفر افغان صریحاً گفت که با کنفرانس روم مخالف است و آنرا غیر عملی میدانند و در شکست آن کوشش خواهد کرد.

به این اساس دیده میشود که هر حرکت بنا بر دلایلی از خود موافقان و مخالفانی دارد که نظر آنها در رسانه ها به نشر رسیده و لزومی به شرح و بسط مزید ندارد.

پایان قسمت دوم  
ادامه دارد

د پانوی شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ